

ارزش و خوبی در جهان بیخدا



نیازی نیست گفته شود بزرگ ترین درد کنونی ما این است که کمابیش همه ی مردم شیعه هستند. این، بردباری برای شنیدن انتقاد در جامعه را اگر هیچ نکند، بسیار کم می کند. هیچ کدام از این انسانها فکر نمی کنند میلیاردها انسان دیگر هستند که هیچ گاه نامی از علی، حسین یا دیگر تازیان به گوش آنها نخورده و بسیار سرفرازتر زندگی می کنند. پرستش دیوانه وار این امامان از زمان نه چندان دور، از زمان صفویه، در ایران به راه افتاده است. باری یکی دیگر از دشواری های بزرگ ایران اخلاق است، دشمنان ما، کسانی که بیخدا را بی اخلاق می دانند توضیح های قرون وسطی ترسایی را هر روز در رسانه ها بلغور می کنند. اراجیف باقی مانده از دنیای ترسایی که حتا برای ترسایان امروزی جهان نیز خنده دار می باشد. چون چنین است و چون باور این سه دین کمابیش همانند است، پس خواندن این کتاب برای کسانی که در پی پاسخ برای گزاره های اسلام گرایان هستند، بدرخور می باشد. دینداران ناآگاه هستند و تاریخ گواه است که بودن خدا نه تنها کسی را دارای خوبی اخلاق نکرده بلکه چند هزار سال است که دین و خدا پروانه ی همه ی بزه های دنیا را صادر می کنند. دیدیم که در ایران اخلاق شده است خواندن حدیث هایی که از تازیان بجا مانده است. برای درمان یک کتاب که درباره ی اخلاق باشد و اخلاق را نخواهد در آینه حدیث ببیند، اخلاق را غیر از نیکی کردن به پدر و مادر آموزش دهد و چشمگیرتر، اخلاق را تنها در پی حوری دویدن و اراجیف تازیان بدانند، ندیدیم. گمان کنیم خدایی نیست. آیا این بدین چم است که زندگی انسان بدون معنا است، و اندیشه بد و خوب، درستکاری و بدکاری، خوبی و بدی جایی نداشته، و هیچ ناگزیری اخلاقی نیست- پس مردم هرچه خواستند، می توانند انجام دهند؟ اریک ج. ویلنبرگ باور دارد چنین دیدگاهی سراسر نادرست است، و در این کتاب می گوید چرا. وی می گوید حتی اگر خدا نباشد، زندگی انسان دارای معنی هست، ناگزیری های اخلاقی داریم، و می شود درستکار بود.



دانلود با لینک مستقیم